

اهمیت حفاظت از آثار هنری

حسینعلی جعفریان

کارشناس ارشد مرمت

رفته و نحوه استفاده از آن و تحت تأثیر همین فرهنگ مصرفی در زمانهای بعد چندان مورد توجه قرار نگیرند و هم زمان دچار تخریب زود هنگام و سریع آثار خواهیم بود.

مسئله اصلی یا در واقع سوال اساسی که در اینجا قابل طرح است این است که آیا در مورد آثار هنری و صنایع دستی ساخت یک کشور نیز باید چنین شیوه‌ای اعمال گردد و به عبارت دیگر آثاری بازاری و مصرفی تولید و خلق گردد؟ حال اگر قرار است که چنین باشد (که نمی‌تواند تمام آثار به صورت کاملاً ناب و هنری باشد) حد و اندازه و میزان خاصی می‌تواند داشته باشد یا خیر؟

به هر حال تعدادی از این آثار قرار است در آینده‌ای نزدیک جزء آثار هنری و با ارزش دوره حاضر قرار گیرد و گویای زوایای گوناگون هنر عصر حاضر باشد. در واقع از این طریق است که آیندگان بهتر می‌توانند مسائل گذشتگان خود را درک و آنها را تحلیل کنند و نسبت به ابعاد مختلف جامعه در عصرهای گوناگون معرفت و شناخت کامل‌تری بیابند. هر چند امروزه پیشرفت در زمینه‌های گوناگون به ویژه فن آوری باعث می‌گردد تا کلیه مسائل و رویدادهای جامعه به وضوح تمام برای آیندگان قابل دستیابی باشد. و تجهیزاتاتی چون دوربین‌های عکاسی یا فیلمبرداری، روزنامه‌ها و ... باعث ماندگاری بیشتر بعضی از آثار و ضبط انواع هنرهای معاصر هستند و گاه خود آنها نیز تبدیل به محملی مناسب و یا سبک و روشی متمایز برای ارائه آثار زیبایی هنری می‌شوند که عکاسی را می‌توان از آن جمله دانست.

گذشتگان ما چنین ابزارها و دانشی را در اختیار

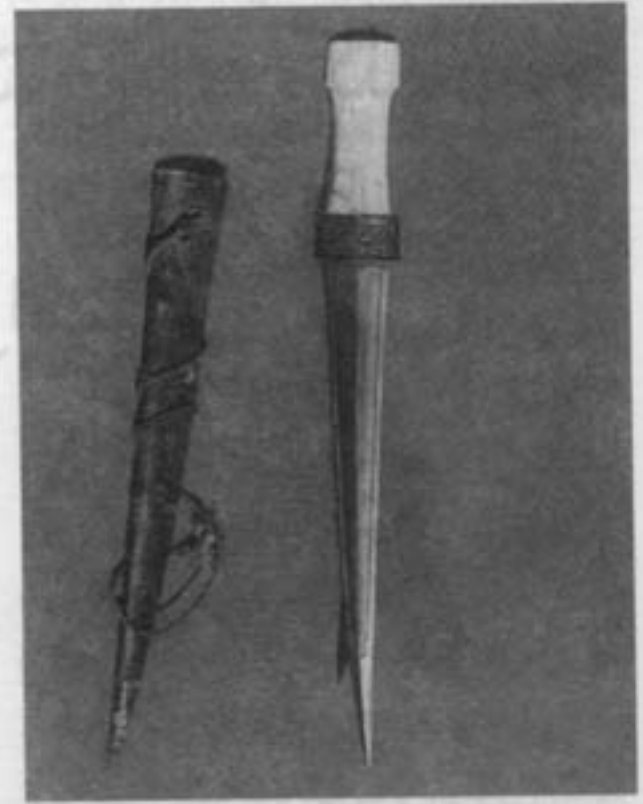
یابد و به عبارت ساده‌تر مصرف بالا برود، بنابراین باید کیفیت آثاری که در اختیار مصرف کنندگان قرار می‌گیرد تزلزل پیدا کند. از همین روست که این تفکر به گونه‌ای متفاوت در عرصه اقتصاد، بازار عرضه و تقاضا دنیای هزینه و منفعت رسوخ کرده است. از طرف دیگر در بعضی مواقع به دلیل مشکلات اقتصادی، تهیه مواد مناسب سخت یا پرهزینه است و هم چنین باید تعدد آثار خلق شده در زمان محدودی را فراهم کرد. این فرایند امروزه آفرینش آثاری را که در اصطلاح، کارهای بازی نام گرفته، موجب شده است.

بدیهی است در جامعه‌ای که چنین فرهنگی حاکم شود، خواسته یا ناخواسته ابعاد مختلف و مسائل متعددی از زندگی مردم را شامل خواهد شد. و به همین ترتیب نسبت به ماندگاری آثار ملی و هنری توجه کمتری مبذول خواهد شد. و در نهایت آثار هنرمندان نیز از نظر نوع مواد بکار



از مسائلی که امروزه در امر حفاظت از آثار با ارزش هنری و ملی علیرغم اهمیت بسیار مغفول مانده است، ضرورت نگهداری از اموال و اشیائی است که فعلاً جنبه تاریخی نداشته و شاید از دید عموم مردم یا استفاده کنندگان، اثر ارزشمندی محسوب نمی‌شود. حال اگر از زاویه‌ای دیگر به این امر بنگریم و گذر زمان را مدنظر داشته باشیم زمانی فرا خواهد رسید - نسبت به دوره‌ای که در آن زندگی می‌کنیم - که این اشیاء و آثار، چه هنری و چه غیرهنری (مثلاً اسناد تاریخی و ...) جزء آثار قدیمی و با ارزش محسوب خواهد شد. بنابراین از نظر ماهیت - ، چگونگی ساخت و نحوه استفاده از آن، مورد توجه آیندگان قرار خواهند گرفت و چه بسا این اشیاء جزء آثار ارزشمند تاریخی باشند. به هر حال با ماندگاری این آثار، نوع زندگی، تفکر، سبک‌های هنری و ... از همه مهمتر چگونگی و مراحل تحول و تکامل سبک هنرمند و جامعه امروز را می‌توان به آیندگان معرفی کرد. امروزه سازندگان و هنرآفرینان و استفاده کنندگان از آثار هنری اهمیت چندانی به حفاظت و ماندگاری آثار ملی نمی‌دهند. و موارد بسیار نادری را می‌توان یافت که مواد و مصالح مناسب و خوب را در کنار روش‌های مناسب بکار ببرند. شاید این نگرش و عملکرد برگرفته از نوعی فرهنگ یا شیوه تفکر مصرفی است که امروزه بر جامعه جهانی حاکم است. هر چند که در حال حاضر بسیاری از تولیدات با علائم و نشانه‌های تجاری گوناگون با کیفیت مرغوب و مناسب به بازار عرضه می‌شوند ولی مواردی نیز وجود دارند که کیفیت فدای مسائلی چون تولید بالا و فروش زیاد می‌شود و چون انتظار می‌رود تقاضا افزایش

هم جنس نبودن دو قطعه از خنجر باعث شده تا شکستگی در دسته آن که از جنس عاج است تشدید یابد.



نداشتند. اما در این زمان تاریخ‌نگاری و مصور کردن وقایع و رویدادها روز به روز با امکانات بهتر و بیشتری روبروست که این به نفع گروه‌های انسانی می‌شود که در زمان‌های دورتری نسبت به تمدن حاضر زندگی خواهند کرد.

در هر صورت ضرورت ماندگاری آثار با ارزش هنری، ملی و اشیاء فرهنگی - هنری و یا موارد دیگر که ممکن است به هر نحو مجبور به نگهداری آن باشیم مسئله‌ای است که نباید تحت تأثیر عواملی چون تولید زیاد و یا خلق اثر در مدت زمان کوتاه و یا ارزانی مواد و مصالح مصرف شده قرار گیرد. بدیهی است در مواردی هزینه نگهداری و مرمت آثاری که در آن مواد خوبی بکار نرفته خیلی بیشتر از هزینه تهیه آن با مواد مرغوب می‌باشد.

همانطور که قبلاً اشاره شد، امروزه تعداد هنرمندانی که به ماندگاری آثارشان توجه می‌کنند بسیار اندک است و عده کثیری از آنان در این مورد حتی فکر هم نمی‌کنند. بیشتر وسایل، ابزار و مواد آنها توسط شرکت‌های مختلف از قبل تهیه شده و نسبت به کیفیت آنها در قیمت‌ها و فرم‌های گوناگونی به بازار عرضه می‌شود.

خالقان آثار هنری حتی فکر نمی‌کنند روزی آثار خلق شده توسط آنان ارزشمند شود. این ارزش و اهمیت می‌تواند در مراحل ابتدایی برای بازماندگان خانوادگی و شاگردان ایشان تحقق یابد و در سطح گسترده‌تر، تبدیل به یک اثر ملی گردد. شاید بیشتر هنرمندان گذشته حتی فکر

زمانی که مواد و لوازم مختلفی را به شیوه‌های گوناگون بکار می‌برند تا کارهای جدید و روش نوینی را ارائه نمایند. (برای مثال می‌توان بکارگیری چسب چوب - قیر و ... در تابلوهای نقاشی را ذکر کرد.) در همین ارتباط بسیار اتفاق می‌افتد که بخشی از این کارها در سالهای اولیه یا حتی ماههای اولیه خلق اثر، روند تخریب زود هنگام خود را شروع می‌کنند. حال که مسئله کمی روشن شد باید که تمامی آثار هنری و آثاری که روزی ممکن است جنبه ملی به خود بگیرند از همان ابتدا باید مورد توجه واقع گردند، و در این مورد علاوه بر روش‌ها و مواد خوب برای خلق اثر، باید در شرایط نگهداری آن آثار نیز دقت نمود. اگر موارد تخریب یک اثر هنری و ملی را به

دو گروه درونی و بیرونی تقسیم‌بندی کنیم، قسمت درونی شامل نحوه بکارگیری مواد، نوع و مرغوبیت مواد و مواردی از این قبیل است و بخش بیرونی شامل آسیب‌هایی است که نور، گرما، رطوبت و ... به آثار وارد می‌سازند. هنرمندان

باید از بخش اول مطلع باشند و بخش دوم را سازمان‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و افرادی که آنها را در اختیار دارند. در واقع تمامی افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند باید برای حفاظت بیشتر و بهتر از آثار ملی کوشا باشند. زیرا این آثار مانند اسناد ملی است که شخصیت هنری جامعه کنونی را شکل می‌دهد و برگی است ماندگار در صفحات هنری تاریخ و زمانی می‌رسد که هرگز توان تکرار و خلق آن وجود ندارد. شاید زمانی فکر این را هم نمی‌کردیم که استاد جواد حمیدی - از میان نقاشان معاصر - دستش از دنیا کوتاه گردد. از ایشان آثار با ارزشی بر جای مانده که به طور حتم با ارزش‌تر از زمان حیات ایشان است. چه مظلومانه زیستند پیروان مکتب نقاشی قهوه‌خانه و با چه زحمتی آن را زنده نگهداشتند. این مطلبی است که در آینده باید به آن پرداخته شود.

باید از تجارب گذشتگان درس گرفت و از آنها برای خلق آثاری ماندگارتر و بهتر برای آیندگان مدد گرفت. باشد که چون گذشته هنر ابزاری باشد در دست انسانهایی با روح لطیف که آنان الگویی مناسب هستند برای جامعه‌ای متعالی.

نمی‌کردند برای ما که در عصر حاضر زندگی می‌کنیم تمامی آثار ابتدایی و طرح‌های اولیه آنها نیز اینقدر ارزشمند باشد. و امروز آن طرح‌ها و آثار اولیه جزء سبک‌های هنری دوره گذشته محسوب گردد.

و این چنین است که در حال حاضر در مرمت و نگهداری نمونه‌هایی از این دست دچار مشکل هستیم، زیرا گاه از موادی استفاده شده که مرغوب نیست یا نحوه بکارگیری و زمانبندی انجام کار صحیح نبوده است، متأسفانه در زمان کنونی هم که این مشکلات با هنرجویان و هنرمندان مطرح می‌شود باز هم دیده می‌شود که بعضی از ایشان مسئله ماندگاری آثار را جدی نمی‌گیرند. به ویژه



پریدگی لعاب در قسمت استوانی‌ای اب‌ریز